

## The Social Construction of Financial Accountability in Government and Parliament Discourses

Seyed Mojtaba Shafipoor\*

Ghanbar Ali Rajabloo\*\*, Kaveh Mehrani\*\*\*

### Abstract

Differences in the perceptions of various social groups, including parliamentarians, government officials, and elites from financial accountability, raise the question of what the meaning of financial accountability is or how it is understood. So, with a post-structuralist approach, we considered financial accountability as a social construct, and we get a better understanding of it from Norman Fairclough's theoretical knowledge of text analysis, and Laclau and Mouffe in the context of political discourse analysis. We analyzed the parliament's detailed negotiations on the adoption of the budget of the entire country in the deliberations of the government and the parliament and classified the research findings in the six political, economic and social paradigms of Iran after the revolution. The findings of the research, summarized briefly in this article, indicate the influence of power relations and the use of hegemonic elements in the discourse system formed in the discourses of the government and the parliament. Thus, in each paradigm, dominant discourses formed with context, and by highlighting themselves and marginalizing rival discourse, they succeeded in securing a temporary centralized sign and a new articulation of the semantic system of financial accountability.

**Keywords:** Social Construction, Financial Accountability, Government Discourse, Parliament Discourse.

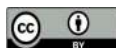
---

\* Ph.D. Graduated in Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author),  
Shafipoor@ut.ac.ir

\*\* Associate Professor in Social Science, University of Alzahra, Tehran, Iran, Rajabloo@Alzahra.ac.ir

\*\*\* Associate Professor in Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran, Kmehrani@ut.ac.ir

Date received: 2020-12-26, Date of acceptance: 2021-05-06



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## برساخت پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>

سیدمجتبی شفیع‌پور\*

قنبرعلی رجب‌لو\*\*، کاوه مهرانی\*\*\*

### چکیده

برداشت متفاوت گروه‌های مختلف اجتماعی شامل نمایندگان مجلس، مسئولان دولت، و نخبگان جامعه از پاسخ‌گویی مالی این سؤال را به وجود می‌آورد که معنای پاسخ‌گویی مالی چیست و چگونه معنا می‌شود. با رویکردی پساساختارگرایانه، پاسخ‌گویی مالی را یک برساخت اجتماعی در نظر گرفتیم و برای فهمی بهتر از آن از دانش نظری نرمن فرکلایف و برای تحلیل متن از ارنستو لاکلائو و شانتال موفه برای تحلیل گفتمان سیاسی بهره بردیم و متن مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی پیرامون تصویب لایحه بودجه کل کشور در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی را مورد تحلیل قرار دادیم و یافته‌های پژوهش را در شش پارادایم سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی ایران بعد از انقلاب طبقه‌بندی کردیم. یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر روابط قدرت و استفاده از عناصر هژمونیک‌شده در منظومه گفتمانی شکل‌گرفته در گفتمان‌های دولت و مجلس است. در هر پارادایم، گفتمان‌های مسلط باتوجه به بافت زمینه‌ای و موقعیتی شکل گرفته و با برجسته‌کردن خود و به حاشیه‌راندن گفتمان رقیب موفق به تثبیت موقت دال مرکزی خود و مفصل‌بندی جدیدی از نظام معنایی برساخت پاسخ‌گویی مالی شدند.

**کلیدواژه‌ها:** برساخت‌گرایی اجتماعی، پاسخ‌گویی مالی، گفتمان دولت، گفتمان مجلس شورای اسلامی.

\* دکترای حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Shafipoor@ut.ac.ir

\*\* دانشیار علوم اجتماعی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، Rajabloo@Alzahra.ac.ir

\*\*\* دانشیار حسابداری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران، Kmehrani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶



## ۱. مقدمه

پس از انقلاب اسلامی در ایران و تغییر نظام سیاسی مشروطه شاهنشاهی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی، همواره این موضوع از سوی نخبگان سیاسی و دانشگاهی کشور مطرح بوده است که الگوی نظام سیاسی جدید در عرصه‌هایی مانند سیاست، اقتصاد، حقوق اجتماعی، و مدیریت چگونه باید باشد. آن گونه که در تاریخ مشخص است، بحث‌های بی‌پایانی در این زمینه‌ها مطرح بوده و در هر مقطعی از تاریخ، جنبه‌های مختلفی از این الگوهای متعدد در زمینه‌های گوناگون به کار گرفته شده‌اند. پاسخ‌گویی مالی به‌عنوان یکی از مسائل مهم و پرچالش دولت‌ها و مجالس از این امر مستثنا نبوده است و در هر عصری برداشتی متفاوت از آن ارائه می‌شد. این موضوع به واسطه انتقادهایی که درخصوص نحوه یا وضعیت پاسخ‌گویی دولت‌ها به مجالس، توسط مسئولان نظام، نخبگان دانشگاهی، و نمایندگان افکار عمومی در جراید و رسانه‌های عمومی مطرح می‌کنند، به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین، برای فهم بهتر از پاسخ‌گویی مالی در ادبیات سیاسی ایران پس از انقلاب و تطبیق آن با ادبیات موجود در زمینه پاسخ‌گویی مالی، این ضرورت وجود دارد که به بررسی پاسخ‌گویی مالی در ادبیات سیاسی ایران بپردازیم. درخصوص پاسخ‌گویی مالی تحقیقات زیادی تاکنون انجام شده است که در اغلب موارد به دنبال یافتن بهترین شیوه برای پاسخ‌گویی مالی یا مقایسه وضعیت فعلی با گذشته یا تطبیق مدل‌های متفاوت با یکدیگر بودند.

به صورت کلی، عمده تحقیقاتی که در زمینه پاسخ‌گویی مالی انجام شده، منطبق با جهان‌بینی بوده است که واقعیت از پیش موجود را برای پدیده‌ها می‌پذیرد و به عینی بودن پدیده‌ها و ساختاریافتگی آن‌ها قائل بودند که تحت عنوان هستی‌شناسی اثبات‌گرایی شناخته می‌شوند، اما به‌طور خاص در ادبیات علوم انسانی، هستی‌شناسی به اثبات‌گرایی ختم نمی‌شود و دیدگاه‌های دیگری هم‌چون تفسیرگرایی و انتقادگرایی را نیز شامل می‌شود. تحقیقات مبتنی بر اثبات‌گرایی به دنبال کشف، توضیح، و پیش‌بینی پدیده‌ها برای کشف الگو و ساختار آن‌ها برای انجام بهتر امور هستند، اما به دلیل مشاهدات متفاوت و عدم توانایی در توضیح همه پدیده‌ها، دیدگاه‌های دیگر نیز در هستی‌شناسی تقویت شده‌اند. با در نظر گرفتن تحولات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی درخصوص پاسخ‌گویی مالی و شرایط زمانی و مکانی متفاوت در این تحقیق با نگاهی متفاوت و برای اولین بار در تحقیقات حساب‌داری، با نگاهی انتقادی به تحلیل پاسخ‌گویی مالی در بستر سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی ایران خواهیم پرداخت.

برای انجام تحلیل فوق، می‌بایست به متون به‌جامانده از هر بستر تاریخی در ارتباط با پاسخ‌گویی مالی مراجعه کرد. این متون هستند که نشان خواهند داد، پاسخ‌گویی مالی چه بوده است. بنابراین، برای حل این مسائل پس از تحقیق فراوان بر روی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و روش‌شناسی مرتبط با مسئله این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که هستی‌شناسی انتقادی، معرفت‌شناسی پساساختارگرایی، و روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی مناسب‌ترین و بهترین شیوه برای مراجعه به متون گذشته و بررسی پاسخ‌گویی مالی در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی ایران بعد از انقلاب است. این رویکرد پدیده‌ها را به‌صورت برساخت گفتمانی می‌نگرد. کنش‌گران اجتماعی در بستری از شرایط زمانی و مکانی با کنش و برهم‌کنش اجتماعی فهمی مشترک از یک پدیده برمی‌سازند که این فهم ممکن است در شرایط زمانی و مکانی دیگر متفاوت باشد. این استدلال با آن‌چه پیش‌تر درخصوص پاسخ‌گویی مالی بیان داشتیم، هماهنگی بیش‌تری دارد و تحلیل پاسخ‌گویی مالی را به‌عنوان برساخت اجتماعی امکان‌پذیر می‌سازد. بر این اساس، برای تحلیل برساخت پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی، که در صحن علنی مجلس شورای اسلامی و پیرامون تصویب بودجه کل کشور برگزار شده است، به بررسی و تحلیل کنش‌های اجتماعی و گفتمانی نمایندگان دولت و مجلس در پارادایم‌های مختلف پس از انقلاب خواهیم پرداخت.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

واژه برساخت (ساخت اجتماعی از واقعیت) ریشه در فلسفه علوم اجتماعی دارد و تغییر و تکامل یک پدیده را وابسته به زمینه اجتماعی آن بررسی می‌کند. به‌معنای بهتر، این نظریه درخصوص جامعه‌شناسی و تئوری ارتباطات است که به بررسی ایجاد مفاهیم مشترکی می‌پردازد که در جهان براساس مفروضات مشترک درمورد واقعیت ساخته می‌شود. این نظریه بر ایده‌هایی درمورد توجیه بشر به‌واسطه ایجاد الگوهایی از جهان اجتماعی که ساخته شده است، توسط زبان به‌اشتراک گذاشته می‌شود، پالایش می‌شود، و بر آن متمرکز است. برساخت ایجادشده به‌صورت گسترده در جامعه پذیرفته می‌شود و طبیعی قلمداد می‌گردد که ممکن است نشان‌دهنده واقعیت مشترک خارج از آن جامعه نیز باشد یا نباشد و این برساخت مخلوق و ساخته آن جامعه است. تمرکز اصلی برساخت‌گرایی اجتماعی بر

روی آشکارکردن راه‌هایی است که افراد یا گروه‌های مشارکت‌کننده در ساخت درک آن‌ها از واقعیت اجتماعی مشارکت دارند. البته این موضوع به راه‌هایی که پدیده اجتماعی در قالب عادت انسان‌ها ساخته، نهادینه، و شناخته می‌شود، گره خورده است. اکثریت برساخت‌گرایان اجتماعی بر این عقیده‌اند که زبان منعکس‌کننده واقعیت نیست، بلکه سازنده آن است. به عبارت بهتر، زمانی که انسان‌ها با هم سخن می‌گویند، جهان برساخته می‌شود (شیرت ۱۳۸۷).

بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که جهان اجتماعی ذاتاً بی‌شکل و بی‌معنی است و به وسیله گفتمان‌های مسلط هر عصری، معنا و شکلی خاص می‌گیرد و محدود و محصور می‌شود. شکل‌گیری دانش ناشی از صورت‌بندی معرفت‌شناسی ساختارهایی است که در پس اندیشه‌ها و کردارها نهفته است که در هر عصری مسلط می‌شود. گفتمان مسلط عبارت است از گفتمانی که در جهت تثبیت دال‌های خود در مناسبات اجتماعی قدم برمی‌دارد. گفتمان با استفاده از ابزارهای قدرت به دنبال تثبیت معانی است. ریشه مفهوم گفتمان در ادبیات یونان به معنای حرکت سریع در جهات مختلف یا به معنای تجلی زبان در گفتار و نوشتار است. کلمات و مفاهیم، که اجزای تشکیل‌دهنده ساختار زبان‌اند، متغیر و ناپایدارند و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ارتباط آن‌ها دگرگون شده است و معانی متفاوتی را نسبت می‌دهند. ارتباط میان افراد به رابطه کلامی محدود نیست و علائم، نشانه‌ها، و کنایه‌های غیرکلامی نیز در این ارتباطات مؤثرند (سرابی و دیگران ۱۳۸۷؛ عضدانلو ۱۳۸۰).

پاسخ‌گویی می‌تواند به‌عنوان معنایی اصلی در فهم کنش اجتماعی نگریسته شود. در تحقیقات آلفرد شولتز (۱۹۵۳/۱۹۷۱)، گارفینکل (۱۹۶۷/۱۹۸۸)، ساکس (۱۹۶۶/۱۹۶۷)، سیکورال (۱۹۷۴)، بیتنر (۱۹۶۵)، سیلورمن و جونز (۱۹۷۷)، و بودا (۱۹۹۴) چنین فرض شده که پاسخ‌گویی محور اصلی تعاملات اجتماعی است و کنش‌گران، که اعضا نام داشتند، جهان اطراف خود را از طریق حساب‌داری برای آنچه در تصور یا واقعیت پیش‌روی سایر مردم انجام می‌دهند که تحت عنوان حساب‌برس خدمت می‌کنند، قابل‌گزارش می‌سازند. حساب‌داری به دنبال نشان‌دادن عقلانیتی است که در اقدام یا کنش شخص اتفاق افتاده است و در نتیجه صلاحیت شخص را تأیید می‌کند. به عبارت بهتر، این قدرت است که از طریق حساب‌داری به اقدام شخص برچسب عقلایی می‌زند و آن را تأیید می‌کند. بنابراین، جهان را می‌سازیم و تأیید می‌کنیم. به عقیده اسکات و لیمن (۱۹۶۸) پاسخ‌گویی زمانی رخ می‌دهد که شخصی به شخص دیگر نیاز داشته باشد تا کاری برای او انجام دهد، زیرا هرگز این سؤال را از خود نمی‌پرسد که چرا باید چنین کاری را انجام بدهد و این ناشی از ترسی

واقعی درخصوص شکسته‌شدن بافت اجتماعی و فروریختن هنجارهاست. این‌که چرا والدین با فرزندان خود در خانه زندگی می‌کنند، هرگز پرسیده نمی‌شود، زیرا در فرهنگ ما و از طریق زبان ما حل شده است و دیگر سؤال نیست. طبق ایده مک ایتیره (۱۹۸۸) بسیاری از ساختارهای اجتماعی هر فرهنگی به‌گونه‌ای هنجار شده است که قابل پرسش نیست. بنابراین، پرسیدن یا پاسخ‌دادن زمانی رخ می‌دهد که خلاف هنجارها و ساختار اتفاقی روی دهد و زمانی این پاسخ‌ها قابل قبول هستند که با هنجارها و ساختارهای قابل قبول منطبق باشند و تأیید شوند. این موضوع در تحقیقات لینچ و بوگن (۱۹۹۴) و لاتور (۱۹۹۴) نیز بیان شده است. به عقیده مری داگلاس (۱۹۹۲) پاسخ‌گویی سنگ‌بنای نهادهای مدرن است و با مدل قانونی مسلط انسان‌ها منطبق است. افراد باید قادر به پاسخ‌گویی برای خود در جامعه و در دادگاه انسانی باشند و هم قادر به پاسخ‌گویی در روز قیامت باشند. طبق نظر مارچ و اولسن (۱۹۸۹) دو نوع قاعده متفاوت درخصوص پاسخ‌گویی وجود دارد. اولی قاعده مناسب‌بودن و دومی قاعده توجیه‌پذیربودن است. قاعده مناسب‌بودن توافقی کوتاه‌مدت و وابسته به مکان و زمان است، درحالی‌که توجیه‌پذیربودن توافقی فراگیر، بلندمدت، و با حداقل استثنائات در برخی شرایط است. قاعده توجیه‌پذیری به‌دنبال انطباق با عقلانیت است. زمانی که در پاسخ‌گویی از قاعده توجیه‌پذیری استفاده می‌کنیم، به‌جای آن‌که درخصوص اقدامات عقلایی صحبت کنیم، درخصوص پاسخ‌های عقلایی صحبت می‌کنیم (Czarniawska-Joerges 1996).

پاسخ‌گویی درمقام تفسیری که قابل فهم باشد، بخشی از جنبه‌های زندگی و ویژگی متمایز فرایند انسان‌بودن است. انسان‌بودن معادل تعامل داشتن با دیگران و دائم درحال حساب‌گرفتن از و حساب‌پس‌دادن به دیگران است. در موقعیت‌های گوناگون افراد نقش‌های متعدد و متفاوت را برعهده می‌گیرند که ممکن است در مقام پاسخ‌خواه و در مقامی دیگر پاسخ‌دهنده باشند. در سازمان‌های اداری، مدیران و کارکنان بسته به مسئولیت‌هایشان پاسخ‌گویند. کارکنان به حضور به‌موقع مکلف‌اند و در صورتی‌که زمان سازمان را تلف کنند، از سوی مدیران موردبازخواست و جریمه قرار می‌گیرند. در دانشگاه‌ها، دانشجویان مسئولیت‌هایی برای تحویل تکالیف در زمان مقرر برعهده دارند و براساس این‌که پاداش یا جریمه برای آن در نظر گرفته شده، اجباری هستند. به‌هرحال دامنه اقدامات انسان برای پاسخ‌گوبودن گسترده است و مطمئناً جریان‌های بیش‌تر و فراتر از نهادهای رسمی مانند دانشگاه، کارخانه، یا دولت در این حوزه وجود دارند و قابل تعریف‌اند (Willmott 1996).

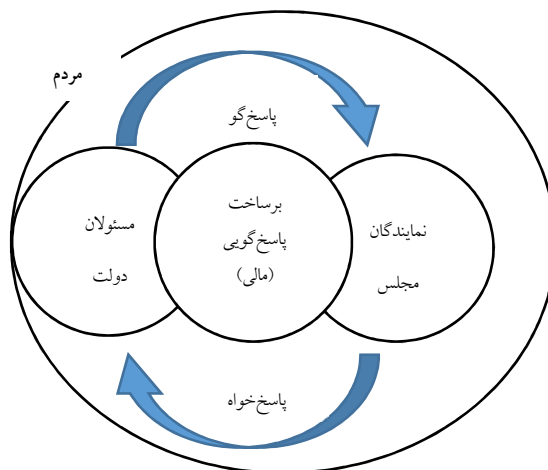
واژه پاسخ‌گویی در طول زمان تکامل یافته و از حفاظت از دارایی‌ها به مدیریت و سپس به پاسخ‌گویی در برابر اقدامات و نتایج تبدیل شده است. گروه‌های مخاطب پاسخ‌گویی نیز تغییر کرده‌اند و از پاسخ‌گویی فردی در برابر پادشاه، به مسئولیت در برابر نمایندگان مردم و در حال حاضر علاوه بر آن، به پاسخ‌گویی در برابر خود مردم رسیده است (پریمچاند ۱۳۸۵).

نکته حائز اهمیت در سیر تاریخی پاسخ‌گویی مالی در ایران، به تصویب متمم قانون اساسی مشروطه مربوط بود که طبق اصل ۱۰۱ و ۱۰۳ قانون مذکور دیوان محاسبات کشور موجودیت یافت و اولین بار قانون محاسبات عمومی کشور مورد تصویب قرار گرفت؛ قانونی که عمر چندانی نداشت و هم‌زمان با منحل شدن مجلس به تاریخ پیوست. پس از آن، با آغاز به کار مجلس جدید، قانون محاسبات عمومی کشور دچار تغییرات اساسی گردید که با اهداف و آرمان‌های قانون محاسبات عمومی اول فاصله چشم‌گیری داشت و در سنوات بعد نیز این فاصله کاهش نیافت. همان‌گونه که در تحقیق باباجانی (۱۳۷۱ ب) به این موضوع اشاره شده است، تاریخ قانون محاسبات عمومی کشور در سیر تاریخی خود دچار تغییرات محسوسی شده است و قانون محاسبات عمومی اول، که با الگوبرداری از نظام‌های سیاسی کشورهای پیشرفته تنظیم شده بود، در نظام‌های دولتی و اداری ایران تاب نیاورد و دچار عقب‌نشینی‌های گسترده‌ای شد. به واقع ساختار قدرت در ایران هم‌چنان بر پایه سلطنت و خدمت به شاه معنا می‌شد و هر قانونی که قدرت شاه را محدود می‌ساخت، دوام نداشت و دچار تغییرات عمده می‌شد و قانون تحت نفوذ و قدرت شاه بود. بنابراین، برخلاف اهداف و آرمان‌های مورد انتظار در دوران مشروطه اول، و به‌ویژه تحولات و اصلاحات صورت‌گرفته در نظام پاسخ‌گویی مالی در ایران، تغییر چندانی در نظام پاسخ‌گویی مالی ایران رخ نداد و پس از آن نیز اهداف و انتظارات پیش‌بینی شده در قانون محاسبات عمومی اول نیز محقق نگردید و با توجه به نتایج تحقیق باباجانی (۱۳۷۱ ب) نیز در قانون‌های محاسبات عمومی متأخر منعکس نشد (باباجانی ۱۳۷۱ الف؛ ۳، ۱۳۷۱ ب؛ ۱۳۸۲؛ باباجانی و دیگران ۱۳۹۲).

پاسخ‌گویی واژه‌ای به شدت مبهم است. پاسخ‌گویی بی‌ثبات و متغیر است (Day and Klein 1987). در شیوه‌های حکومتی مدرن، این باور عمومی وجود دارد که شکل دموکراتیک دولت بر مبنای پاسخ‌گویی به این صورت است که دولت در برابر مردم بابت مسئولیت‌هایی که بر عهده داشته است، باید پاسخ‌گو باشد (Shah 2011).

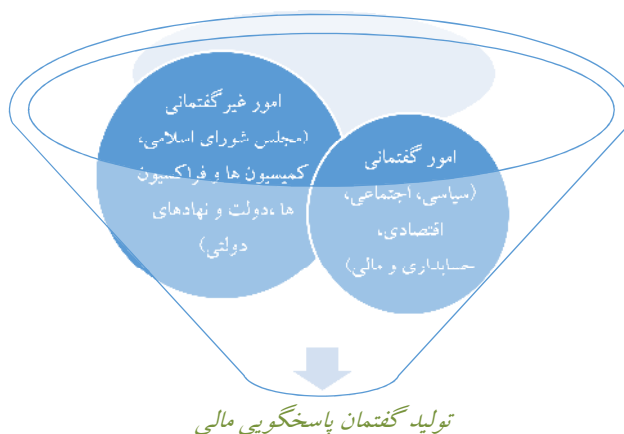
تعاملات و روابط نمایندگان مجلس و مسئولان دولت در زمینه پاسخ‌گویی (مالی) به عنوان جزئی از مردم آغشته به قدرت است و فهم پاسخ‌گویی (مالی) از آن طریق ممکن خواهد بود.





شکل ۱. تعامل دولت و مجلس شورای اسلامی و پاسخ‌گویی مالی

نهادهای اجتماعی هم‌چون مجلس شورای اسلامی، دولت، یا کمیسیون‌های متعدد در مجلس و سایر نهادهای دولتی هرکدام به‌نوعی در تولید و بازتولید گفتمان پاسخ‌گویی مالی می‌تواند مؤثر باشد. به‌طور ویژه صحن علنی مجلس شورای اسلامی یا کمیسیون‌های تخصصی و نظارتی مجلس محیط بسیار مناسبی را برای تولید متون متنوع و متفاوت برای بروز و ظهور گفتمان‌های مختلف درخصوص پاسخ‌گویی مالی دولت به مجلس شورای اسلامی فراهم می‌آورند. از این رو، فرایند تولید گفتمان پاسخ‌گویی مالی در دولت و مجلس شورای اسلامی را می‌توان طبق شکل ۲ ترسیم کرد.



شکل ۲. فرایند تولید گفتمان پاسخ‌گویی مالی در دولت و مجلس شورای اسلامی

برای شناسایی گفتمان پاسخ‌گویی مالی می‌بایست روی دادی مرتبط با آن را، که در گفتمان موجود جدید و تازه‌وارد است، شناسایی و نحوه مفصل‌بندی آن با گفتمان موجود را مورد بررسی قرار داد. در شرایطی که گزاره جدید به حوزه گفتمان موجود وارد می‌شود، اگر بدون تضاد تخاصم وارد حوزه گفتمان موجود شود و به تثبیت بیش‌تر معنای آن بینجامد، طبیعتاً به بازتولید گفتمان موجود یاری می‌رساند و از سوی قدرت مسلط مورد پذیرش قرار خواهد گرفت، در حالی که اگر این گزاره جدید با گفتمان موجود ناسازگاری داشته باشد و به دنبال ارائه مفصل‌بندی جدید در حوزه مورد بررسی باشد، نقاط ناسازگاری، نزاع، و تضاد در عناصر گفتمانی پدید می‌آید که نقطه بسیاری مناسبی برای شناسایی و توصیف گفتمان‌های موجود در آن حوزه است. این ناسازگاری‌ها اگر بتواند در بازتولید گفتمان جدید اختلال ایجاد کند و استحکام مفصل‌بندی گفتمان قدیم پیرامون دال مرکزی آن را تضعیف کند، می‌تواند امید داشته باشد که با به‌حاشیه‌راندن گفتمان قدیم، مفصل‌بندی جدیدی پیرامون دال مرکزی خود ایجاد کند که بر مبنای آن گفتمان جدید نیز پدید خواهد آمد. بنابراین، مدل نظری این تحقیق با توجه به رویکردی که در زمینه بررسی پاسخ‌گویی مالی در گفتمان دولت و مجلس شورای اسلامی دارد، توجه به روی داد و گزاره‌ای جدید در تضاد با گفتمان‌های موجود و مسلط است تا با استفاده از آن به شناسایی و توصیف گفتمان‌های مسلط و مقاومت در حوزه پاسخ‌گویی مالی و در محیط سیاسی ایران بپردازد.

### ۳. روش تحقیق

در این پژوهش از روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی نرم‌ن فرکلاف، ارنستو لاکلائو، و شانتال موفه به صورت ترکیبی استفاده خواهیم کرد. این دو رویکرد دارای ویژگی‌ها و خصایصی هستند که در تکمیل یک‌دیگر به فهم معنای موضوع تحقیق یاری می‌رسانند. بر این اساس، در مرحله اول از طریق تحلیل بافت موقعیتی و زمینه‌ای ذی‌ربط به تحلیل متن خواهیم پرداخت و در مرحله بعد، از طریق تحلیل گفتمان سیاسی موجود در متن مورد نظر، معنای پاسخ‌گویی مالی را مورد تحقیق قرار می‌دهیم. ذکر این نکته حائز اهمیت است که تحلیل متن به عنوان سطح خرد مورد تحلیل قرار می‌گیرد و تحلیل گفتمان سیاسی به عنوان سطح کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سطوح خرد گفتمان در خدمت سطوح کلان گفتمان آن نهادی است که گفتمان در آن شکل می‌گیرد.

به عبارت بهتر، سطح خرد به مثابه نخ عمل می‌کند که سایر سطوح را به عنوان دانه‌های متفاوت در یک ردیف منظم به هم پیوند می‌دهد. سطح خرد مسلط نمایش‌گر صورت‌بندی ایدئولوژیکی گفتمان آن نهاد سازنده گفتمان‌هاست. انتظام سطح خرد درون‌گفتمانی به صورت‌بندی و مرزبندی نهادها در سطح کلان‌گفتمانی می‌انجامد. نرمن فرکلاف متن را نه تنها در قالب دال و مدلول و بافت متن، بلکه فراتر از آن و در قالب بافت‌های موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و تاریخی موردتحلیل قرار می‌دهد. در واقع، رابطه تعاملی دوسویه میان متن و زمینه در آن لحظات پدید می‌آید که به طور مستمر محقق باید از متن به زمینه و از زمینه به متن رجوع کند (رجبلو ۱۳۸۵). در الگوی نظری نرمن فرکلاف، تحلیل گفتمان در سه مرحله انجام می‌گیرد و عبارت‌اند از ۱. توصیف، ۲. تفسیر، ۳. تبیین که روابط آن‌ها با بافت زمینه‌ای و موقعیتی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

اگر پاسخ‌گویی مالی را یکی از رویه‌های عملی (پراکتیس) اجتماعی در نظر بگیریم، بازنمایی اجتماعی و سیاسی این پراکتیس از طریق گفتمان‌ها انجام می‌شود. پاسخ‌گویی مالی شامل تصورهایی در این معناست که شبکه‌ای از پراکتیس‌های اجتماعی در قالب مفصل‌بندی‌های خاص، فعالیت‌ها، سوژه‌های اجتماعی، و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. تحلیل برساخت پاسخ‌گویی مالی مستلزم مفصل‌بندی عناصر متأثر از گفتمان‌های قبلی و تعیین روابط مفصل‌بندی میان گفتمان‌هاست. به منظور بررسی برساخت پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی ادوار مختلف سیاسی، اجتماعی، و روی‌دادهای تاریخی دوران پس از انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دادیم و با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر هر دوره و دوران پس از انقلاب اسلامی، به تحلیل برخی از گفت‌وگوهای ردوبدل‌شده در صحن علنی مجلس شورای اسلامی میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان دولت جمهوری اسلامی پرداختیم تا از این طریق فهمی بهتر از معنای پاسخ‌گویی مالی در ادوار مختلف پس از انقلاب اسلامی به دست آوریم.

با توجه به بافت موقعیت و زمینه‌ای تشریح‌شده در هر پارادایم تاریخی ذکرشده در فوق و با در نظر گرفتن متغیرها و شاخص‌های احصاشده از چهار بُعد واقعیت، شناخت، معنا، و زبان برساخت پاسخ‌گویی، ابتدا تحلیل متن فرکلاف با استفاده از سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین انجام پذیرفت و به عنوان نتیجه اولیه تحقیق با استفاده از مفاهیم سیاسی هم‌چون مفصل‌بندی، تخصص، قدرت، و هژمونی و با استفاده از تحلیل برساخت امر سیاسی لاکلائو و موفه به نحوه تولید، عمل، و تحول گفتمان‌هایی پرداختیم که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان دولت جمهوری اسلامی شکل گرفته بودند. نمونه مورد استفاده

در این تحلیل متون انتخاب‌شده مربوط به گفت‌وگوهای نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی است و باتوجه‌به دوره‌های زمانی انتخاب‌شده و با در نظر گرفتن روی داده‌های خاص در مورد پاسخ‌گویی مالی، نمونه مورد نظر در بودجه سال‌های ۱۳۶۰ برای پارادایم آرمان‌گرایی، بودجه سال ۱۳۶۴ برای پارادایم دفاع مقدس، بودجه سال ۱۳۷۱ برای پارادایم سازندگی و توسعه اقتصادی، بودجه سال ۱۳۸۳ برای پارادایم توسعه سیاسی و اصلاحات، بودجه سال ۱۳۸۷ برای پارادایم عدالت و اصول‌گرایی، و بودجه سال ۱۳۹۳ برای پارادایم اعتدال و تعامل‌گزینش شد. هم‌چنین، واحد تحلیل در این تحقیق جمله، گزاره، و پاراگراف‌های انتخاب‌شده از گفت‌وگوهای صحن علنی مجلس شورای اسلامی است.

بر این اساس، سؤالات تحقیق به شرح زیر تدوین شد:

۱. معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی چیست و چگونه معنای آن تولید و به صورت موقت تثبیت می‌شود؟
۲. مفصل‌بندی نهایی گفتمانی پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی در قالب چه منظومه‌هایی ترتیب یافته‌اند؟
۳. برپایه گفتمان غالب نظام هژمونیک جمهوری اسلامی، گفتمان‌های دولت و مجلس در ادوار مختلف در باب پاسخ‌گویی مالی چگونه مفصل‌بندی شده‌اند؟

#### ۴. یافته‌های تحقیق

باتوجه‌به این‌که متن کامل مذاکرات صحن علنی مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه بودجه هر سال حداقل بالغ‌بر دویست صفحه است، پس از مطالعه دقیق متون و براساس ارتباط واژگان و جملات مرتبط با پاسخ‌گویی مالی در ادبیات حسابداری، به صورت منتخب یک یا چند پاراگراف از آنچه در رابطه با پاسخ‌گویی مالی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت بیان شده است، عیناً استخراج کردیم و در بخش مرتبط با ابعاد و شاخص‌های اصلی و فرعی برساخت پاسخ‌گویی مالی مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم. باتوجه‌به تعاریفی که در *قانون اساسی از اقتصاد* و به‌طور خاص پاسخ‌گویی مالی در نظام سیاسی ج.ا.ایران مشخص گردید، مسئولیت تهیه بودجه را به دولت و مسئولیت بررسی، تصویب، و نظارت بر آن را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده است، اما باتوجه‌به آنچه در مورد برساخت معنایی

پدیده‌های اجتماعی بیان کردیم، این موضوع نباید مغفول بماند که در نظم گفتمانی و هژمونیک ج.ا.ایران همواره گفتمان‌های متفاوتی حضور داشته‌اند که معنایی متفاوت با گروه‌های دیگر به پاسخ‌گویی مالی نسبت داده‌اند و فهم متفاوت با آن را مطرح کرده‌اند.

#### ۱.۴ دفاع مقدس (پارادایم آرمان‌گرایی)

وقوع جنگ میان دولت ایران و عراق شاید از مهم‌ترین روی‌دادهای تاریخ پس از انقلاب اسلامی ایران باشد که تجربه اقتصادی متفاوتی را برای کشور به‌هم‌راه داشت. مشکلاتی هم‌چون کاهش صادرات نفت و افزایش هزینه‌های دولت به‌دلیل طولانی‌شدن جنگ، کسری بودجه، و تورم ناشی از آن را افزایش داد. در این دوران، نزاع داخلی میان احزاب و گروه‌های سیاسی، برکناری اولین رئیس‌جمهور، و ترور دومین رئیس‌جمهور و سایر شخصیت‌های انقلاب از چالش‌های داخلی نظام بود. در بخش قانون‌گذاری و به‌ویژه در زمینه پاسخ‌گویی مالی دولت به مجلس شورای اسلامی و مردم، قانون محاسبات عمومی و پس از رفت‌وآمدهای بسیار میان دولت و مجلس به تصویب نمایندگان دولت رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد. در بخش نظامی نیز همکاری مشترک ارتش و سپاه موجب برقراری توازن و یا برتری نظامی ایران نسبت به عراق شده بود و رخدادهایی مانند آزادسازی خرمشهر، شکست حصر آبادان، و برقراری امنیت در خطوط دریایی ایران برای صادرات نفت از مهم‌ترین آن‌هاست. استعفای جانشین رهبری، اختلاف نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور، و استعفای نخست‌وزیر از دیگر رخدادهای سیاسی دولت و مجلس شورای اسلامی است. معنای پاسخ‌گویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در مرداد ۱۳۶۰ این‌گونه برساخته می‌شد که اگر بودجه کشور به‌شیوه‌ای که اسلام می‌گوید تأمین و مصرف شود و در خدمت «اسلام» باشد، پاسخ‌گویی مالی دولت محقق شده است.

#### ۲.۴ توسعه اقتصادی (پارادایم سازندگی و توسعه اقتصادی)

سال‌های بعد از جنگ با روی‌دادهای فراوانی همراه بود. رحلت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، برگزاری همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی کشور، تغییر شیوه اجرایی اداره امور کشور از پارلمانی به ریاستی، حذف نخست‌وزیر از قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پیش از موعد به‌دلیل انتخاب رئیس‌جمهور وقت به‌عنوان رهبر انقلاب ایران، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی درهای باز از سوی رئیس‌جمهور

جدید، تصویب برنامه اول پنج‌ساله توسعه ایران در مجلس شورای اسلامی، افزایش صادرات نفت، رشد واردات، تلاش برای یک‌سان‌سازی نرخ ارز و هم‌چنین افزایش تحریم‌های آمریکا علیه ایران، افزایش تورم و افزایش بدهی‌های خارجی دولت و رشد حجم نقدینگی، و رشد جمعیت بخشی از مهم‌ترین عناوین تحولات دوران توسعه اقتصادی کشور است. البته بخش بزرگی از این اصلاحات اقتصادی، که با شعارهای ابتدای انقلاب متفاوت بود، به دلیل شرایط اقتصادی بعد از جنگ و لزوم بازسازی سریع کشور امری سیاسی قابل‌تلقى است.

معنای پاسخ‌گویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۷۰ این‌گونه بر ساخته می‌شد که اگر بودجه کشور به شیوه‌ای که قانون «محاسبات» می‌گوید تأمین و مصرف شود و در خدمت برنامه باشد، شرایط اقتصادی و اصلاحات اقتصادی مورد نظر دولت محقق می‌شود.

#### ۳.۴ اصلاحات و توسعه (پارادایم اصلاحات و توسعه سیاسی)

شکست سیاست‌های توسعه اقتصادی به دلیل بروز تورم بالا و فاصله گرفتن از اهداف در نظر گرفته شده، عصری جدید در تاریخ ایران بعد از انقلاب به وجود آورد که استفاده از واژگانی هم‌چون اصلاحات، برقراری آزادی‌های مدنی هم‌چون آزادی مطبوعات، حق شهروندی، فضای باز سیاسی، رواج یافته بود و انتخابات مجلس ششم و دولت هفتم ظهور و بروز این گفتمان‌ها در جامعه آن زمان بود. کاهش قیمت نفت از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور در عصر توسعه سیاسی بعد از انقلاب است که بسیاری از سیاست‌های اقتصادی کشور را با چالش اساسی روبه‌رو ساخت. البته بهبود روابط خارجی با کشورهای اروپایی قدری از این مشکلات را تخفیف داد، اما افزایش نزاع‌های سیاسی داخلی و دسته‌بندی گروه‌های انقلابی اسلام‌گرا به دو گروه اصلاح‌طلب و اصول‌گرا بهترین نمونه برای بیان شرایط و تحولات سیاسی آن زمان است. وقوع حملات تروریستی یازده سپتامبر، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، تحسن نمایندگان مجلس ششم، نامه به رهبری، رد صلاحیت‌های مرتبط با انتخابات مجلس هفتم، و استعفای دسته‌جمعی نمایندگان مجلس ششم برخی از اتفاقات مهم دولت و مجلس آن زمان است.

معنای پاسخ‌گویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۸۲ این‌گونه بر ساخته می‌شد که اگر بودجه کشور به شیوه‌ای که دموکراسی اسلام و اقتصاد جهانی مبتنی بر حکم‌رانی خوب و «شفافیت» صورت پذیرد، پاسخ‌گویی مالی محقق می‌شود.

#### ۴.۴ عدالت و توسعه (پارادایم اصول‌گرایی و عدالت)

پس از پایان مجلس ششم و شروع به‌کار مجلس هفتم، استفاده از واژگان و عباراتی هم‌چون برقراری عدالت اجتماعی، توجه به محرومان، رسیدگی به اوضاع فرهنگی، پیش‌گیری از تهاجم فرهنگی، که از طریق برخی نمایندگان اقلیت در مجلس ششم نیز مطرح شده بود، رواج یافت و گفتمان عدالت و مهرورزی را، که از سمت نیروهای اصول‌گرا حمایت می‌شد، تقویت کرد. آغاز این مرحله از تاریخ تحولات ایران بعد از انقلاب، با پیچیده‌تر شدن پرونده هسته‌ای ایران، افزایش تحریم‌های مالی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا و هم‌راهی کشورهای اروپایی، و قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران شرایط متفاوتی را رقم زد. افزایش قیمت جهانی نفت، تورم بالا، افزایش واردات، و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و خارجی مورد اختلاف میان دولت و مجلس از عناوین مهم آن دوران است. هدف‌مندی یارانه‌ها، سهمیه‌بندی بنزین، مسکن مهر، سفرهای استانی، رشد مؤسسات مالی و اعتباری، و رشد حجم نقدینگی از رخدادهای مهم آن زمان است.

معنای پاسخ‌گویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۸۶ این‌گونه برساخته می‌شد که پاسخ‌گویی مالی به‌واسطه «اختیارات» و اجازه کلی مجلس به دولت محقق می‌شود و با ساده‌سازی و تسهیل امور، سرعت در کارها بیش‌تر می‌شود و امکان نظارت و شفافیت هم بیش‌تر می‌شود.

#### ۵.۴ اعتدال و توسعه (پارادایم اعتدال و تعامل)

بعد از برجسته‌شدن شعارهایی هم‌چون عقلانیت و تدبیر، گفتمان سیاسی جدید کشور به تولید قدرت در سمت اعتدال‌گرایانی اقدام کرد که به‌دلیل بحران‌های اقتصادی و سیاست‌های نابه‌سامان خارجی خود را از نیروهای اصول‌گرا و اصلاح‌طلب جدا کرده و صف‌بندی جدیدی از نیروهای سیاسی ایران را تشکیل داده بودند. از این‌رو، با به‌حاشیه‌راندن نیروهایی که در گفتمان اعتدال نبودند، واژگان و عباراتی هم‌چون تدبیر و امید، خردورزی، تحریم‌های ظالمانه، گفت‌وگو با جهان هم‌راه با تکریم و احترام، و سروسامان‌دادن به بخش اقتصادی کشور برسر کار آمدند.

معنای پاسخ‌گویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۹۲ این‌گونه برساخته می‌شد که «قانون» دال مرکزی و نقش محوری در بازتعریف پاسخ‌گویی مالی داشت و از طریق پذیرش داوطلبانه محدودیت‌های قانونی مانند اسناد بالادستی با

شفافیت و جامعیت کامل و طبق نظرهای کارشناسی در زمینه پاسخ‌گویی مالی و برای انضباط مالی و اطمینان جامعه پیش‌قدم‌اند.

## ۵. نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، دستیابی به پاسخ‌سؤالاتی بود که در ابتدا و براساس مسئله تحقیق تدوین شد و در این قسمت و پس از انجام تحلیل و فهم نتایج حاصل از تحقیق به سؤالات زیر پاسخ خواهیم داد.

- معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی چیست و چگونه معنای آن تولید و به‌صورت موقت تثبیت می‌شود؟

معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی در قالب چهار شاخص واقعیت، شناخت، معنا، و زبان قابل‌درک است که در گفتمان‌های دولت و مجلس، براساس مفصل‌بندی گفتمان مسلط از نظام معنایی پاسخ‌گویی مالی موردنظر خود معنای آن را برمی‌سازد. همچنین، گفتمان مسلط با استفاده از برجسته‌کردن دال‌های خود و به‌حاشیه‌راندن دال‌های گفتمان‌های رقیب نظام معنایی خود را به پاسخ‌گویی مالی نسبت می‌دهد و موقتاً آن را تثبیت می‌کند. بنابراین، در نزاع و تخاصم روابط قدرت، گفتمانی بر گفتمان‌های دیگر مسلط می‌شود و مفصل‌بندی خود را تثبیت می‌کند، اما این تثبیت دائمی نیست و در نزاع قدرت و تغییر مفصل‌بندی گفتمان مسلط معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی نیز تغییر می‌یابد. به عبارت بهتر، معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی همان چیزی است که قدرت خواستار فهم ما از آن است.

- مفصل‌بندی نهایی گفتمانی پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی در قالب چه منظومه‌هایی ترتیب یافته‌اند؟

براساس روی‌داده‌ها و تحولات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی ایران بعد از انقلاب و بررسی سرگذشت پاسخ‌گویی مالی در ایران، منظومه‌های گفتمانی را می‌توان در قالب شش پارادایم و گفتمان‌های مرتبط با آن‌ها بررسی کرد. پارادایم آرمان‌گرایی با منظومه گفتمانی متشکل از گفتمان‌های اسلام‌گرا و ملی‌گرا، پارادایم دفاع مقدس با منظومه گفتمانی متشکل از گفتمان‌های چپ اسلام‌گرا و راست اسلام‌گرا، پارادایم سازندگی با منظومه گفتمانی جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز، پارادایم اصلاحات با منظومه گفتمانی متشکل از اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، پارادایم عدالت با منظومه گفتمانی متشکل از ائتلاف آبادگران اسلامی و مستقلین، و درنهایت پارادایم اعتدال با منظومه گفتمانی متشکل از



گفتمان اعتدال و گفتمان اصول‌گرایی. لذا مفصل‌بندی نهایی برساخت پاسخ‌گویی مالی در منظومه گفتمانی ذی‌ربط ترتیب یافته و معنا شده‌اند.

- برپایه گفتمان غالب نظام هژمونیک جمهوری اسلامی، گفتمان‌های دولت و مجلس در ادوار مختلف درباب پاسخ‌گویی مالی چگونه مفصل‌بندی شده‌اند؟

با شناسایی پارادایم‌های عمده و اصلی گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی طبقه‌بندی و تحلیل برساخت پاسخ‌گویی مالی در بافت زمینه‌ای و موقعیتی هر پارادایم، نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در پارادایم آرمان‌گرایی، مفصل‌بندی گفتمان مسلط از برساخت پاسخ‌گویی مالی را برمبنای نظام معنایی اسلام، احکام، و هنجارهای اسلامی تثبیت کرده بود. در پارادایم دفاع مقدس، به دلیل وقوع جنگ، مفصل‌بندی گفتمان مسلط برمبنای اعتماد به دولت و مسئولان تثبیت شده بود و پس از پایان جنگ و در پارادایم سازندگی، مفصل‌بندی گفتمان مسلط تغییر یافت و نظام معنایی مبتنی بر محاسبات و حساب‌و‌کتاب دقیق را به‌عنوان معنای پاسخ‌گویی مالی تثبیت کرد. در پارادایم اصلاحات، گفتمان مسلط با استفاده از نظام معنایی دموکراسی اسلامی (مردم‌سالاری دینی) توانست مفصل‌بندی معنای پاسخ‌گویی مالی را براساس شفافیت تثبیت کند و در گفتمان عدالت با معرفی کردن گفتمان مسلط به‌عنوان گفتمان مردمی و با هدف بازتوزیع عدالت اجتماعی در جامعه توانست مفصل‌بندی جدیدی از معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی برمبنای اختیارات تثبیت کند، اما در پارادایم اعتدال با طرد نظام معنایی گفتمان عدالت، مفصل‌بندی و نظام معنایی مبتنی بر قانون در بازتعریف برساخت پاسخ‌گویی مالی تثبیت شد و هم‌چنان نزاع و تخاصم روابط قدرت برای برجسته‌کردن و به‌حاشیه‌راندن در جریان است و هر گفتمان می‌کوشد تا مفصل‌بندی خود از معنای برساخت پاسخ‌گویی مالی را تثبیت کند.

بنابراین، این‌گونه می‌توان دریافت که پاسخ‌گویی مالی فهم‌شده در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی متفاوت با ادبیات دانشگاهی متداول درخصوص پاسخ‌گویی مالی است. به این معنا که قواعد و خرده‌نظام‌های موجود در ادبیات مرسوم پاسخ‌گویی مالی به‌ندرت در گفتمان‌های حاکم در منظومه گفتمانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی معنا شده است. در ادبیات مرسوم پاسخ‌گویی مالی، بودجه مبنای پاسخ‌گویی مالی است و دولت‌ها با ارائه بودجه حداقل‌های لازم برای آغاز فرایند پاسخ‌گویی را آغاز می‌کنند و پس از آن نسبت به روی‌دادهای مالی ناشی از عملکرد خود به نمایندگان مردم و جامعه پاسخ‌گو خواهند بود. با توجه به این‌که فرایند پاسخ‌گویی مالی تشریح‌شده در ادبیات حساب‌داری حاصل تقابل و تخاصم گفتمانی است که خارج از منظومه گفتمانی نظام جمهوری اسلامی شکل

گرفته است، شکل‌گیری این معنا برای بر ساخت پاسخ‌گویی مالی در پارادایم‌های مختلف سیاسی با مقاومت مواجه بوده و به‌عنوان نظام معنایی تاکنون از سوی گفتمان‌های مسلط به ایجاد مفصل‌بندی و تثبیت موقت موفق نشده است.

## پی‌نوشت

۱. بر ساخت پاسخ‌گویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی عنوان رساله دکتری است که در رشته حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با هدف توسعه تحقیقات بین‌رشته‌ای در حوزه‌های حسابداری و علوم اجتماعی تدوین شده است. در این رساله به تفصیل شاخص‌ها و ابعاد بر ساخت پاسخ‌گویی مالی احصا شده است و پس‌از آن متن مشروح مذاکرات صحن علنی مجلس شورای اسلامی پیرامون تصویب لایحه بودجه کل کشور در دوره‌های مختلف سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق، به‌صورت خلاصه نتایج به‌دست‌آمده از رساله فوق ارائه شد.

## کتاب‌نامه

- باباجانی، ج. (۱۳۷۱ الف)، «حساب‌داری دولتی در ایران»، ماه‌نامه حساب‌دار، ش ۸۶ و ۸۶  
باباجانی، ج. (۱۳۷۱ ب)، «سیر تطور حساب‌داری دولتی در ایران در چهارچوب قانون محاسبات عمومی»، ماه‌نامه حساب‌دار، ش ۸۷ و ۸۸  
باباجانی، ج. (۱۳۸۲)، «تحلیل نظری پیرامون سیستم نظارت مالی کشور از منظر پاسخ‌گویی مالی»، بررسی‌های حساب‌داری و حساب‌رسی، ش ۳۱.  
باباجانی، ج.، ع. آذر، و م. معیری (۱۳۹۲)، «عوامل و محرک‌های تحول در نظام پاسخ‌گویی مالی و عملیاتی بخش عمومی ایران»، فصل‌نامه مطالعات تجربی حساب‌داری مالی، ش ۳۷.  
پریم چاند، آ. (۱۳۸۵)، «پاسخ‌گویی مالی در بخش عمومی»، فصل‌نامه مجلس و پژوهش، پیاپی ۵۱.  
رجبلو، ق. (۱۳۸۵)، «نقش، جایگاه، کارکرد و شیوه‌های بررسی متن فرمان مشروطیت با توجه به شاخص‌های تحلیل گفتمان»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ش ۵۵.  
رضایی پناه، ا. و ش. سمیه (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان سیاسی: امر سیاسی به مثابه یک بر ساخت گفتمانی، تهران: تیسرا.

Czarniawska-Joerges, B. (1996), "Changing Times and Accounts: Tale from an Organization Field", in: *Accountability Power, Ethos and The Technologies of Managing*, London: International Thomson Business Press.

- Hines, R. D. (1988), "Financial Accountability: In Communicating Reality, We Construct Reality", *Accounting Organization and Society*, vol. 13, no. 3.
- Hines, R. D. (1989), "The Sociopolitical Paradigm in Financial Accounting Research, Accounting", *Auditing & Accountability*, vol. 2, no. 1.
- Laughlin, R. L. (1996), "Principals and Higher Principals: Accounting for Accountability in The Caring Professions", in: *Accountability Power, Ethos and The Technologies of Managing*, London: International Thomson Business Press.
- Lawson, A. and L. Rakner (2005), "Understanding Patterns of Accountability in TANZANIA", in: *Final Synthesis Report Commissioned by the Governance Working Group of the Development Partners to Tanzania*, Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- Shah, H. (2011), "Accountability: Has it Been Hollowed out in the Modern State?" *Journal Of Political Studies*, vol. 18, no. 1.
- Sinclair, A. (1995), "The Chameleon of Accountability: Forms and Discourses", *Accounting, Organizations and Society*, vol. 20.
- Uhr, J. (1993), "Redesigning Accountability: From Muddles to Map", *The Australian Quarterly*.
- Willmott, H. (1996), "Thinking Accountability: Accounting for the Disciplined Production of Self", in: *Accountability Power, Ethos and The Technologies of Managing*, London: International Thomson Business Press.

